

حقوق همسران

□ س - با توجه به تاکید دین اسلام بر ازدواج و اصرار شما بر لزوم اقدام سریع جوانان برای تشکیل خانواده، مناسب است در مورد حقوق همسران توضیحاتی ارائه نمایید.

● ج - مکرراً از سوی خوانندگان گرمی درخواست چنین مطلبی به ما رسیده است که اجابت آنها به دلایل مختلف به تعویق افتاده و اکنون نیز با دودلی و احتیاط درباره این امر مهم مطالبی به عنوان تذکر تقدیم خوانندگان عزیز می شود، دلیل این احتیاط و تردید نیز از لابلای مطالب روشن خواهد شد.

حقوق همسران بخشهای مختلفی دارد که قسمتهای واجب آن بخصوص در رابطه با مسائل خاص زناشویی، در رساله های عملیه غالباً ذکر شده است که باید به آنجا مراجعه شود، و آنچه در اینجا بطور خلاصه مورد توجه است برخی از حقوق اجتماعی و اخلاقی است که رعایت آنها همیشه یا در اغلب موارد، موجب شهادت و خوشبختی خانواده می باشد. ولی قبل از بیان اصل مطلب، توجه به دو نکته در خور اهمیت است:

نکته اول:

آنچه در مورد محیط خانواده مطلوب اسلام است، این است که باید زیربنای روابط خانوادگی مهر و محبت و جو حاکم سرشار از عشق و صفا و صمیمیت باشد نه درخواست حقوق. گرچه هر کدام نباید ملاحظه حق دیگری را بنماید ولی نباید تا حد توان حتی سخنی از حق خویش و به رخ کشیدن آن به میان آورد بلکه هر یک سعی کنند درخواست خود را از راه ایجاد انگیزه در قلب دیگری و تحریک عاطفه و مهر در دلش از او بخواهد و او را وادار به انجام وظیفه خود کند، و اگر نشد تا آنجا که ممکن است از حق خود بگذرد و درخواست ننماید.

این اصل نه تنها در محیط خانواده بلکه در همه جامعه باید مورد توجه قرار گیرد و افراد در برخورد با یکدیگر نباید همیشه مطالبه حق خود را بطور کامل بنمایند. در روایت است که بخیل کسی است که بگوید از حق خود نمی گذرم. حتی در کشمکشها و نزاعها که به دادگاه کشیده می شود باید انسان تا آنجا که ممکن است عفو و گذشت داشته باشد. در موارد بسیاری از نزاعهایی که خلعت حضرت امیرالمؤمنین «ع» به مرافعه کشیده می شد ایشان نخست دعوت به گذشت می فرمودند حتی در نزاعهای مالی.

این مطلب در محیط خانواده که باید همیشه ملامت از صفا و محبت باشد، اهمیت بیشتری دارد. خداوند می فرماید: «ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمة...» (رود - ۲۱)

و از آیات خداوند است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفریده که مایه آرایش شما هستند و در میان شما محبت و عطفی قرار داده است.

نکته دوم:

اینکه حقوق خانوادگی از احکام شریعت مقدمه است و از سوی خدا و رسول برای تنظیم روابط خانوادگی و بر طبق مصالحی که ممکن است بسیاری از آن بر ما پوشیده باشد، تشریح شده و باید ما همه تسلیم اوامر الهی باشیم نه اینکه در مقابل مصلحت اندیشی خدا و رسول برای خود مصالحی در نظر بگیریم و تا آنجا احکام الهی را بپذیریم که طبق عقل و اندیشه ناقص خودمان برای ما مصلحت باشد و هر جا دیدیم مصلحتی در آن نیست آن را انکار یا استکار کنیم!! اصولاً تمام احکام الهی را باید بدون چون و چرا تسلیم باشیم و گرنه اسلام

نیارنده ایم. مصلحت اندیشی در مقابل احکام الهی، مرحله ای از کفر است. ما اسلام را از راه پذیرش احکام آن و مطابقت آنها با تمایلات یا طرز تفکر خود نپذیرفته ایم دقت کنید!!!

ایمان بخدا نباید پرو پذیرش احکام تشریحی او باشد بلکه تسلیم در مقابل احکام او پرو ایمان به اوست. ما به دلیل مطابقت احکام اسلام با مصالح از پیش ساخته خود اسلام را بر حق نمی دانیم بلکه چون اسلام را به دلیل دیگری دین حق یافته ایم هر چه در اوست از احکام و تشریحات چشم بسته و گوش بسته، مورد احترام و پذیرش و تسلیم ما است.

خدا را به دلیل عقل و فطرت شناخته ایم و اسلام را به دلیل قرآن که معجزه الهی است و بشر از آوردن آن عاجز است، پذیرفته ایم و آنچه از احکام اسلام و قرآن و اهل بیت است، تشریح خداوند می دانیم و به این دلیل در مقابل آن خم به ابرو نمی آوریم، باید در اینجا متذکر شد که اخیراً صحبت های زیادی در مورد حقوق زن به میان آمده است و برای اینکه حقوق بانوان پایمال نشود شرایطی پیشنهاد شده است که در ضمن عقد ازدواج درج می شود و طبق آن، زن می تواند چه کند و چه نکند!! اگر کمی دقت شود این پیشنهاد و تأکید بر ترویج آن و بیان فواید و نتایج آن کنایه ای ابلغ از تصریح در اعتراض به احکام الهی است و گویا حقوقی را خداوند نادیده گرفته است یا «نعموذ بالله» تضییع فرموده است که آقایان می خواهند آن را زنده کنند.

خداوند می فرماید: «ام یخافون ان یحیف الله علیهم ورسوله...» (نور: ۵۰) آیا می ترسند که خدا و رسول او حق آنان را ضایع کنند؟! آیات قبل و بعد این آیه را مراجعه کنید چون مطلب از حوصله این مقاله خارج است؛ متعرض نمی شویم ولی باید در این آیات و امثال آن دقت شود مبدا در مقابل مصلحت اندیشی خداوند، ما برای خود مصالحی در نظر بگیریم و قوانینی تصویب کنیم که بوی مخالفت با احکام الهی در آن باشد. البته از نظر شرعی شرط کردن صحیح است ولی عمومیت دادن آن در هر عقد ازدواج که واقع شود، بدعت بسیار خطرناکی است. اگر خداوند چنین صلاح می دید که امر طلاق بانوان در این موارد به دست آنها باشد، عاجز از تشریح آن نبود و او مصلحت همه را بیشتر می داند. مشروعیت این گونه اشتراطها باید برای موارد ضرورت باشد نه اینکه از روز اول در هر عقد ازدواجی چنین شرایطی که قطعاً نتایج موثی خواهد داشت درج شود!! مطمئناً آینده نشان خواهد داد که چه مفاسدی بر این مصلحت اندیشی ها مترتب می شود.

مطلب فوق اختصاص به این احکام و حقوق خانواده ندارد بلکه در همه موارد بایند به دقت رعایت شود: اگر ما به عقل ناقص خود بخواهیم در احکام اسلام با حیل های شرعی و تمسک به ضرورت و غیره اینگونه تغییر روا داریم، تدریجاً از احکام مالکیت و عقود شرعی از قبیل اجاره، مضاربه، و مانند آن فقط اسمی باقی می ماند و تمام

محتوای آن از بین خواهد رفت.

حیله گیری در مقابل احکام الهی از عوامل سقوط جامعه های پیشین است. بنی اسرائیل در موارد زیادی چنین رفتاری داشتند و به همان دلیل مستوجب غضب الهی شدند. در روایت است که خداوند لعنت کرد (یا لعنت کند) یهود را که خداوند پیه حیوانات را بر آنان حرام فرمود، و آنها آن را فروختند و در قیمتش تصرف کردند! معلوم است که آنها این کار را به عنوان حیل شرعی انجام داده اند، و اگر می خواستند صریحاً مخالفت کنند نیازی به این کار نداشتند.

و بر همین اصل حضرت امام دام ظلله همه انواع حیل را برای ربا خواری را که در گذشته رایج بود تحریم کردند بجز یک نوع در ربای معاملی که آن مورد روایت است. از این پافشاری حضرت امام در این حکم باید درس بگیریم و تلاش کنیم خود را با احکام الهی وفق دهیم نه اینکه آنها را طبق مصالح خویش تغییر دهیم. البته در مواردی که حکم صریحی از شارع نرسیده و به تعبیر بعضی از علما منطبقه فراغ است و مواردی که از روایات استفاده شود که جای تشریح احکام ثانویه طبق مصالح و مفاسد متغیره است و مواردی دیگر مانند ضرورت های اجتماعی و فردی و امثال آن دست قانونگذاران باز است و ممکن است از موارد اطاعت اولی الامر به معنای اعم شمرده شود.

حقوق زن

۱ - نفقه، بر مرد واجب است که نفقه همسر خویش را به نحو متعارف بپردازد و برای آن حد مشخصی از سوی شارع مقدس اسلام تعیین نشده بلکه باید مرد، تمام احتیاجات زن را فراهم سازد. از مسکن و خوراک و پوشاک و فرش و لوازم زندگی و هزینه معالجه بیماری هائی که غالباً مورد ابتلاست و خدمتکار در صورت نیاز و هر چیز دیگر که عرفاً مورد حاجت زن باشد چه از لوازم خانه بحساب بیاید و چه از لوازم شخصی زن. و باید توجه داشت که به مقدار نفقه، زن طلبکار است و اگر مرد نپردازد و زن از مال خود مصرف کند یا به سختی بگذراند هر وقت بخواهد می تواند مطالبه کند. و این اختصاص دارد به نفقه زن یعنی اگر انسان نفقه فرزند یا پدر و مادر را بپردازد و آن روز به سختی گذشت او در صورت اطلاع فقط گناهی مرتکب شده ولی بدهکار نیست و اما در مورد نفقه زن اگر نپردازد تا او رسماً نبخشیده، مرد بدهکار است و زن حق دارد نفقه روزانه خود را بگیرد و مصرف نکند، مثلاً در زندگی بر خود سخت بگیرد یا از راه های دیگر مصرف کند و پول نفقه را نگهدارد.

به عبارت دیگر، زن مالک نفقه است، چه آن را خرج کند و چه نگهدارد. متأسفانه بعضی از افراد متوجه این جهات نیستند و شکایات زیادی در مورد خسی نسبت به نفقه زن می شود. باید این

حقوق همسران

افراد متوجه باشند که با این کار خود را به بدهکاری سنگینی گرفتار می کنند و همچنین از خصوصیات نفقه زن این است که گرچه خود، پولدار و بی نیازی باشد حق مطالبه نفقه دارد و به فرموده حضرت امام حتی اگر بی نیازترین مردم دنیا باشد باز هم نفقه او بر شوهرش واجب است. ولی در مورد سایر نفقات چنین نیست مثلاً نفقه پدر و مادر و فرزند در صورتی واجب است که محتاج باشند.

نفقه زن باید به نحو متعارف باشد. بعضی مردها فکر می کنند با آوردن یک نان و پنیر به خانه و یادادن چند تومان وجه نقد وظیفه خود را انجام داده اند! ولی چنین نیست. حضرت امام دام ظلّه در تحریر الوسيله می فرماید: در مورد خوراک آنچه متعارف امثال آن زن در آن محل و آنچه مناسب مزاج او می باشد باید تهیه کند حتی اگر مناسب مزاج او یا متعارف زنان امثال او در آن محل خوردن گوشت در هر روز است، باید هر روز گوشت به اندازه لازم تهیه کند بلکه اولی آن است که میوه جات متعارف نیز جزء نفقه بحساب آید و در مورد لباس نیز بعلاوه لباس لازم زمستانی و تابستانی، لباس تجمل اگر اهل تجمل است طبق متعارف امثال او جزء نفقه است. و در مورد مسکن باید مسکن مناسب او تهیه کند، چه با خریدن باشد چه اجاره و مانند آن و زن حق دارد مطالبه مسکن جدا کند و مرد نمی تواند او را ملزم کند که در خانه پدر و مادریا خانه ای که زن دیگر او در آن ساکن است زندگی نماید.

احکام نفقه زن بسیار است و همانگونه که قبلاً متذکر شمیم در رساله ها به تفصیل آمده است و تقریباً همه آن احکام به نفع زن است و متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می گیرد. مثلاً شنیده می شود که بعضی مردها زن را الزاماً در خانه پدر و مادر مسکن می دهند و بعلاوه امر می کنند که باید کارهای خانه آنها را انجام دهد در حالی که مرد حق ندارد زن را مجبور به کار خانه خودش بکند بلکه در بعضی موارد، زن می تواند مطالبه خدمتکار کند. و همچنین می تواند در قبال کار منزل که انجام می دهد، در مورد کارهای مختص به مرد یا به فرزندان او گرچه فرزندان زن نیز می باشند مطالبه اجرت کند.

۲ - روی خوش نشان دادن: در روایتی که حقوق زن را می شمارد آمده است: «ولا یقیح لها وجهاً...» یعنی روی خود را در برابر او ترش نکند و اخمها را درهم نیچد و این کنایه از لزوم حسن برخورد و گشاده رویی است و در قرآن کریم است: «و عاشروهن بالمعروف» با همسران خود به نحو شایسته رفتار کنید و معاشرت

نمائید. جالب توجه این است که فقها این حکم را به عنوان یک حکم اخلاقی محض تلقی نکرده اند بلکه آنرا جزء حقوق زن قرار داده اند: و ظاهر عبارات آنها این است که نشوز از جانب مرد همچنانکه با نپرداختن نفقه محقق می شود، با ترک سایر حقوق واجب زن که از آن جمله همین جهت است، نیز حاصل می شود در نتیجه، زن می تواند در صورتی که مرد اصرار داشته باشد و با نصیحت برنگردد از دست او نزد حاکم شرع شکایت برد.

۳ - گذشت از اشتباهات و کارهای جاهلانه: زن بحکم این که بیش از مرد، پیرو احساسات است و در تصمیم گیریها غالباً عجله می کند مخصوصاً در مواردی که عاطفه و احساسات او تحریک شود چه بسا برخوردهای ناشایستی نسبت به شوهر خود داشته باشد که زود از کرده خود پشیمان می شود. دستور شارع مقدس در این زمینه این است که مرد در برابر اینگونه جهالتها و کارهای ناشایست، خوشتن دار باشد و این گونه برخوردها را نادیده بگیرد. این مطلب در روایات متعدد آمده است که در بعضی چنین تعبیر شده «و ان جهلت غفر لها» و در بعضی دیگر چنین است: «و اغفر ذنبها». جهالت به معنای نادانی نیست بلکه جهالت، کار عجولانه است که بر اساس احساسات و بدون تدبر و تفکر انجام می گیرد. تعبیر به «غفران» که در روایت آمده است به معنای نادیده گرفتن است «غفر» یعنی پوشانید. بنابراین منظور این نیست که او را مؤاخذه نکند یا از او شکایت نکند بلکه اصلاً آن گونه کارها را نادیده بگیرد یعنی هیچگاه به رخ او هم نکشد که تو در فلان روز چه کردی و چه برخورد نامناسبی داشتی! این جهت نیز در عبارات فقها به عنوان حق زن ذکر شده است با اینکه ظاهر روایت این است که این از لوازم احسان و نیکوکاری مرد است نه از حقوق واجب و شاید مدرک دیگری غیر از این چند روایت باشد که ظهور در حق واجب داشته باشد.

۴ - عدالت در میان همسران در صورت تعدد زوجات: بحث در این مسئله مفصل است و ما برای اینکه اختصار را ملاحظه کرده باشیم و در عین حال تذکری در مورد بعضی مقاله ها و مصاحبه ها داده شده باشد، این مطلب را متذکر می شویم که مراد از عدالت در اینجا آن معنی نیست که هیچ ترجیحی برای یکی از همسران قرار ندهد گرچه مستحب است مساوات کامل برقرار کند چه در نفقه و چه در خوش رویی و سایر جهات ولی آنچه واجب است ملاحظه دو امر است: ۱- این که حق واجب هیچ کدام را ضایع نکند و نسبت به نفقه و مسکن و سایر حقوق هر کدام به مقدار واجب پای بند باشد.

۲ - شبهای خود را میان همسران تقسیم کند و این را در فقه «قسم» می گویند. به گفته فقها قسم، حق زن و مرد است، یعنی در صورت تعدد همسر چه دو زن و چه سه و یا چهار زن باشد شبهای مرد به چهار قسمت تقسیم می شود. پس اگر چهار زن باشند و او شبی را در خانه یکی از آنها بگذرانند، باید سه شب دیگر را با عدالت تقسیم

حقوق همسران

کند ولی اگر کمتر باشند می تواند یکی را ترجیح دهد. مثلاً اگر دو زن داشته باشد می تواند یک شب در خانه یکی و سه شب در خانه دیگری باشد یا دو شب آن را جای دیگر سپری کند و به این ترتیب «قسم» حتی می شود هم برای زن و هم برای مرد.

به عبارت دیگر در صورت تعدد زوجات شبهای مرد به چهار قسمت تقسیم می شود پس اگر چهار زن باشند شبها میان آنها تقسیم می شود ولی اگر کمتر باشند مثلاً دو زن داشته باشد دو شب از آن آنها است و دو شب حق خودمرد است که می تواند آن دو شب را نزد یکی از آنها باشد یا بالسویه تقسیم کند یا در جای دیگر باشد.

به هر حال عدالتی که در مورد تعدد زوجات لازم است به آن معنی نیست که هیچ ترجیحی برای یکی از آنها قائل نشود گرچه این تساوی مستحب است ولی واجب نیست. خداوند می فرماید: و لن نستطبعوا أن تعدلوا بین النساء ولو حرصنم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة» (نساء: ۱۲۹). هرگز نمی توانید عدالت را بطور کامل در میان همسران خود برقرار کنید ولی تمایل شما به یک طرف بطور کلی نباشد که دیگری به صورتی در آید که نه شوهر دارد و نه آزاد است. در بعضی ترجمه ها و تفاسیر چنین آمده است که مراد نفی امکان عدالت در محبت قلبی است ولی از ذیل آیه که نهی شده از تمایل کلی که موجب بلا تکلیفی یک طرف است و از تفریع این نهی بر عدم امکان عدالت، استفاده می شود که مراد، محبت قلبی که یک امر غیر اختیاری است نمی باشد و شاید منشأ این توهم روایاتی باشد که در تفسیر این آیه آمده مبنی بر این که مراد مودت است ولی باید توجه داشت که مودت غیر از محبت قلبی است بلکه اظهار تمایل و علاقه به زبان و عمل است و همین مودت است که در مورد اهل بیت علیهم السلام واجب شده نه محبت قلبی که یک امر غیر اختیاری است.

حقوق شوهر

حقوق شوهر گرچه در روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته ولی ما از آن به اختصار می گذریم زیرا سخن در این باره بسیار گفته شده است.

۱ - تمکین: که این از مسائل زناشویی است و در رساله های عملیه مسائل مربوط به آن ذکر شده و از نظر شرعی بسیار مورد اهمیت قرار گرفته است به حدی که یکی از حقوق شوهر طبق روایات وارده

این است که زن باید از هر چیزی که موجب تنفر طبع او است بپرهیزد و مسائل زیادی که جای بحث از آن نیست. آنچه باید در اینجا تذکر داده شود این است که اطاعت واجب بر زن مربوط به همین مسائل زناشویی است نه اینکه در هر امری شوهر حق دارد همسر خود را مجبور به اطاعت کند. حضرت امام دام ظلّه در این زمینه می فرمایند: «ولا یتحقق النشوز بترك طاعته فيما لیست بواجبة علیها فلوامتعت من خدمات الیبت و حوائج التی لا تتعلق بالاستمتاع من الكس او الغیاطة او الطیخ او غیر ذلك حتی سفی الماء و تمهید الفرائس لم یتحقق النشوز» نشوز و نافرمانی زن در ترک اطاعت شوهر نسبت به مسائلی که بر او واجب نیست محقق نمی شود پس زن از انجام مسائل خانه داری و احتیاجات و کارهای منزل از قبیل جاروب کردن و لباس دوختن و آشپزی و مانند آن حتی آب به دست شوهر دادن و رختخواب پهن کردن و آنچه از شئونی که مربوط به جهات استماع و زناشویی نمی شود، می تواند سر باز زند و بر او واجب نیست که در این امور اطاعت کند. باید گفت اکثر بانوان در این گونه مسائل نهایت فداکاری و خوش خدمتی را از خود نشان می دهند ولی در بعضی مسائل دیگر که حقوق واجب شوهر است متأسفانه کوتاهی می کنند بلکه گاهی در شئون شخصی شوهر دخالت می کنند و توقع دارند که از آنها اطاعت کند و متوجه نیستند که این در نهایت موجب از هم پاشیدگی خانواده است.

۲ - اذن گرفتن از شوهر برای بیرون رفتن از خانه: مواردی که اذن شوهر در آنها لازم است زیاد است ولی آنها جزء حقوق شوهر. که در صورت تخلف موجب نشوز و عدم استحقاق نفقه و سایر حقوق می شود. نیست، مثلاً در روایت است که حتی در بخشیدن مال خود و نذر کردن در مال خود و صدقه دادن باید از شوهر اذن بگیرد مگر در حج و زکات و احسان به پدر و مادر و خویشان خویش. توجه شود که تمام اینها در صورتی است که از مال خود زن باشد و اگر از مال شوهر باشد که لزوم اذن او واضح است. حضرت امام دام ظلّه در مورد نذر می فرمایند: لا یصح نذر الزوجه مع منع الزوج وان كان متعلقاً بعالها ولم یکن العمل مانعاً عن حقه بل الظاهر اشتراط انعقادها باذنه...» نذر زن در صورتی که شوهر منع کند باطل است گرچه متعلق به مال خود باشد و مانع انجام وظیفه نسبت به حقوق او نشود بلکه ظاهر آن است که اذن شوهر در صحت نذر معتبر است. یعنی نه فقط منع او مانع است بلکه باید با اذن او باشد و این حکم شامل همه گونه نذر حتی نذر نماز و روزه نیز می شود.

و اما بیرون رفتن از خانه بدون اذن شوهر از مسائلی است که بسیار بر آن تأکید شده است. حضرت امام در این زمینه می فرمایند: «ولا تخرج من بیتها الا باذنه ولو الی اهلها حتی لعیادة والدها و فی عزائه...» از حقوق شوهر است که زن از خانه بدون اجازه او بیرون

ریاست تحت هر شرایطی برقرار باشد بخصوص که شکل ائتلافی به نفع آمریکا است و آمریکا می تواند با در دست داشتن اکثریت مطلق وزراء خواسته های خود را پیاده کند و مهمترین خواست آمریکا جلوگیری از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی و قدرت گیری حزب الله در لبنان است که این کار را با توافق حکومت ائتلافی، نیبه بری حکومت امل بخوبی بانجام خواهد رسانید.

اسرائیل

اسرائیل که یکی از علل اصلی حمله و تجاوز به لبنان را سرکوبی مسلمان و حاکمیت بخشیدن مطلق به فلات تریش می داند با هر گونه حرکتی - که ولو مقطعی با این هدف تعارض داشته باشد - مخالف است و طبیعتاً سعی می کند از آن جلوگیری بعمل آورد و لذا می بینیم که در مواردی با تشکیل حکومت ائتلافی بوسیله کارشکنی هائی مخالفت کرده است؛ یکی از آن موارد مخالفت رسمی اسرائیل بایسته شدن دفتر نمایندگیش در «نظیبه» در شمال بیروت است و مورد دوم، عقب نشینی از جنوب لبنان و موارد دیگر که اعلام رسمی نشده است از جمله درخواست مذاکره مستقیم با حکومت لبنان که در حکم سقوط این حکومت می باشد و سوریه نیز آنرا قبول ندارد. ولی رژیم اشغالگر قدس علیرغم نظرات تند سیاسی نظامی خود در لبنان مجبور گردیده که از سیاست آمریکا در منطقه پیروی نماید و یا لاقلاً سکوت اختیار کند.

آنچه قابل پیش بینی است اینکه مسلمانان در لبنان که از موقعیت ممتازی برخوردارند و قدرت نظامی برتر را در اختیار دارند می توانند در صورت ادامه راهی که اختیار کرده اند، به پیروزیهای چشم گیری دست یابند، تنها خطری که این حکومت را تهدید می کند آن است که حزب الله و مؤمنین لبنانی به سازش کشیده شه و یا لاقلاً به عنوان یکی از اطراف قدرت در لبنان بر سر میز مذاکره بنشینند و در آخر پست و مقامی در لبنان احراز نمایند. و این داسی است که دشمن در هفته های اخیر برای حزب الله طرح کرده است و آینده نشان خواهد داد که کدام سیاست در صحنه حاکم خواهد بود.



نرود گرچه به خانۀ پدر و مادر باشد حتی اگر برای عبادت پدر یا حضور در مراسم عزای او باشد. البته برای شوهر مستحب است که در این گونه موارد سختگیری نکند.

مطالب در حقوق زن و شوهر زیاد است و بیان آن قطعاً نیاز به یک کتاب دارد ولی آنچه از مجموع مطالب به دست می آید، این است که غالباً همه زنها و شوهرها بدهکار حقوق یکدیگرند و این خود انگیزه ای است برای گذشت بیشتر و تفاهم بیشتر، اگر هر کدام حقوق خود را به طور کامل بخواهند کار هر دو مشکل می شود. ولی نباید به طور کلی این حقوق را فراموش کنیم که مراعات آنها قطعاً در سعادت و آرامش زندگی و پایداری خانواده موثر است.

در پایان چند حدیث در این مورد نقل می کنیم که برای برادران و خواهران تذکری سودمند باشد گرچه احادیث در این باره آن قدر فراوان است که انسان در انتخاب آنها دچار سردرگمی می شود ولی برای نمونه به این چند روایت اکتفا می کنیم.

۱ - در روایت صحیح و معتبر است که رسول اکرم «ص» فرمود: «اوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت انه لا ینبی طلاقها الا من فاحشة مینة» ص ۱۲۱

جبرئیل علیه السلام بقدری به من سفارش زن نمود که گمان کردم نباید او را طلاق داد مگر در صورتی که گناه بزرگ و آشکاری از او سر زده باشد.

۲ - همچنین از رسول اکرم «ص» روایت است که فرمود: «الا خیرکم خیرکم لسانه وانا خیرکم لسانی» ص ۱۲۲.

هان بدانید بهترین شما کسی است که برای همسرانش بهترین همه باشد و من از همه شما در مورد همسرانم بهترم. یعنی رفتار نسبت به همسر از همه شما بهتر است.

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ایما امرأة ینبذ زوجها علیها ساخط فی حق لم ینقبل منها صلاة حتی یرضی عنها» (وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۳)

هر زنی که شی را به سر آورد در حالی که شوهرش از او به حق ناراضی است، هیچ نمازی از او پذیرفته نمی شود تا رضایت شوهرش را بدست آورد. دقت شود که نارضایتی طبق این روایت در صورتی که به حق باشد این اثر را دارد.

۴ - و از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «ایما امرأة قالت لزوجها: ما رأیت قط من وجهک خیراً فقد حبط عملها» ص ۱۱۵
هر زنی که به شوهرش بگوید: هیچ از تو خیرتری ندیدم، اعمال خیر آن زن هدر رفته و بی اثر می شود.

